

مروار

نگاهی به کتاب «از بوی گل آهسته‌تر»

چشم‌اندازی به حقایق مکتوم تاریخ

«از بوی گل آهسته‌تر» عنوان چهارمین مجلد از مجموعه «حماسه سجادیه»، به قلم سیدمهدی شجاعی است که به‌تازگی توسط انتشارات نیستان هنر چاپ و روانه بازار کتاب شده است. سه مجلد پیشین این مجموعه روشنگر به ترتیب عبارت‌اند از: «تویی به جای همه»، «اگر غم لشگر انگیزد» و «جز حکایت دوست». همان‌گونه‌که از عنوان مجموعه پیداست، «حماسه سجادیه» به زندگانی و سیره امام‌علی‌ابن‌الحسین(ع) اختصاص دارد، ولی این مجموعه تفاوت‌های چشمگیری با آثار مشابه دارد. «حماسه سجادیه» در عین نقل وقایعی مستند از دوران پراشوب زندگانی امام سجاد(ع)، مخاطب را با حقایقی آشنا می‌کند که پیش از این لایه‌لای کتاب‌های تاریخی و مذهبی پنهان شده و ای‌یسا به طاق نسیان سپرده شده بودند. نویسنده اثر در کنار اشارات موجز و مفصل به زندگی و سیره امام سجاد و نقل کراماتی کمتر بیان‌شده از ایشان، با بیان چند شمه از شیوه زمامداری و حاکمیت بنی‌امیه و بنی‌مروان و اعوان و انصارشان و مقایسه آن نحوه از حکومت با حاکمیت اسلام علوی، معیارهایی محکم و بدیع درخصوص وجه تمایز حکومت علوی و حکومت اموی ارائه می‌دهد.

اساسا اینکه نویسنده اثر عنوان «حماسه» را برای این مجموعه برگزیده، خود دقیقه‌ای است که ممکن است در بادی امر به راز آن پی نبریم. بر حسب ظاهر، علی‌ابن‌الحسین به اسارت گرفته شد، چندی به غربت بیابان پناه برد، بارها به جانش سوءقصد شد، دمی از آزار و اذیت خلفا و والیان جور در امان نبود، پس معنای حماسه برای چنین زندگانی سخت و دشواری چه می‌تواند باشد؟ یاسخ در حقایق و ظریفی از زندگانی و سیره امام سجاد نهفته است که سیدمهدی شجاعی کوشیده در این مجموعه ما را با آنها آشنا کند. در راستای این تلاش و اهتمام است که اینک مجلد چهارم پیش‌روی ماست: «از بوی گل آهسته‌تر». این اثر نیز همچون سه مجلد پیشین مجموعه «حماسه سجادیه»، به لطیف‌ترین روش‌ها و در قالب روایت‌های تاریخی معتبر، چشم‌اندازی را پیش چشمان مخاطب می‌گشاید که خود به آسانی بتواند سره را از ناسره و حق را از باطل تشخیص دهد و این شاید برجسته‌ترین ره‌آورد این مجموعه باشد. شجاعی در این جلد هم کوشیده است با زبانی سلیس و روان، و گاه نمکین، سنگین‌ترین و در مواردی تلخ‌ترین حقایق را در اختیار مخاطب قرار دهد و یکی از طرفه‌ترین ابزارِی که در این راه از آن بهره گرفته، استفاده از راویان متعدد است، او با پرده‌گردانی و معرفی به‌جای روایان، به‌گونه‌ای اثر را پیش می‌برد که تعدد و فراوانی شخصیت‌ها مخاطب را سردرگم نکند. ما در این جلد هم با طیف گسترده‌ای از شخصیت‌ها سروکار داریم؛ از یاران صدیق و وفادار امام گرفته تا دشمنان کمرسته ایشان. نویسنده با چیره‌دستی تمام، شخصیت‌ها را وارد عرصه می‌کند و از زبان خودشان یا دیگران –و- شگفتا که یکی از عجیب‌ترین این دیگران شخص ابلیس است- آنان را معرفی کرده و داستان را پیش می‌برد. از دیگر امتیازات مجموعه «حماسه سجادیه»، رمزگشایی از برخی ابهامات تاریخ است؛ ابهاماتی که پاسخ آنها را باید نزد اهل سرِ جِست‌وجو کرد. ازجمله جالب‌ترین این ابهامات می‌توان به نحوه وفات و محل دفن دو نفر از عمه‌های امام سجاد یعنی حضرت زینب و رقیه بنت امیرالمؤمنین علی‌ابیطالب اشاره کرد. بنا بر مشهور، این دو بانوی بزرگوار در شام و مصر دفن شده‌اند، حال آنکه نویسنده «از بوی گل آهسته‌تر» با نقل حقیقتی مکتوم، به این شبهه پایان می‌دهد.

از دیگر لطایف کتاب چهارم مجموعه «حماسه سجادیه»، اشاره به رساله حقوق علی‌ابن‌الحسین و زوددن گرد مهجوری از این اثر سترگ است. سیدمهدی شجاعی از زبان اسقفی مسیحی این رساله را معرفی و نه‌تنها به مسلمانان بلکه به جامعه بشری یادآوری می‌کند. با مطالعه و تدبر و عمل به مفاد این رساله در حوزه‌های فردی، خانوادگی، اجتماعی، سیاسی و… می‌توان از بسیاری از ظلم‌ها، تعدی‌ها و دشمنی‌ها پیشگیری یا آنها را حل‌وفصل کرد. مجموعه «حماسه سجادیه» محملی است برای بازنمایی اسلام اصیل و تشریح نقش حیاتی پیشوایان بر حق شیعه در نشان‌دادن طریقِ حق از باطل. برای حسن‌ختم بریده‌ای از متن کتاب «از بوی گل آهسته‌تر» را با هم می‌خوانیم: «خداوند قواعد طواف خانه‌اش را به‌گونه‌ای وضع کرده که مردم –همه مردم- همه وجوه تمایز و تشخص را پیش از ورود به حریم خانه فروگذارند و با هیتنی یکسان و همانند وارد خانه شوند… خداوند قواعد مهمان‌پذیری‌اش را به‌گونه‌ای وضع کرده که فقیر و پادشاه از هم متمایز نشوند و همگان یکسان به خانه‌اش درآیند. این قاعده زمان پیامبر خاتم تحکیم و تثبیت می‌شود و تا پایان حکومت یا خلافت امیرالمؤمنین تداوم می‌یابد. معاویه اما پس از شهادت امیرالمؤمنین تلاش می‌کند این قاعده را بر هم بزند و پیای امتیازها و برتری‌های مادی و دنیایی را به این فضا باز کند… و عبدالملک مروان یکی از مصادیق بارز چنین حاکم و حکومتی است. او برای حج و طواف هم که آمده با خود خدم و حشم راه انداخته و پیش‌رو و پس‌رو به همراه آورده تا همگان از حضورش مطلع شوند و راه باز کنند و با کرنش و تعظیم، اطاعت و تابییعت‌شان را به ظهور برسانند… اما در این میان فقط یک نفر هست که با حال و هوایی خاص و متفاوت مشغول طواف و مناجات با خداست. و نه خلیفه و نه هیچ‌کس دیگر را نمی‌بیند… امام طوافش را به پایان رسانده و می‌خواهد مشغول نماز شود که توسط خلیفه احضار می‌شود. خلیفه بی‌مقدمه می‌گوید: مگر من قاتل پدرت هستم که… امام با خون‌سردی و آرامش پاسخ می‌دهد، قاتل پدرم دنیای او را نابود کرد و پدرم آخرت او را. تو هم اگر طالب چنین معامله‌ای هستی بسم‌الله! خلیفه با لکتنت می‌گوید، نه نه مقصودم این بود که چرا با ما نمی‌جوشی که از دنیای ما بهره‌مند شوی؟ اگر گاهی سراغی از ما بگیری دست ما برای کمک‌ها و هدیه‌های مالی باز است. امام به جای هر پاسخخی بر زمین می‌نشیند و ردای خود را پهن می‌کند و خطاب به خدا عرض می‌کند، خدایا مقام اولیای خودت را به این مرد نشان بده. در چشم بروم‌زدنی تمام ردای امام پر از در و گوهر می‌شود… امام می‌افزاید، کسی که چنین مقامی نزد خدا دارد هرگز محتاج دنیای شما نمی‌شود. و خطاب به خدا عرض می‌کند، خدایا برادر این جواهرات را که من نیازی به آنها ندارم. و از جا برمی‌خیزد و ردایش را بر دوش می‌اندازد و می‌رود که نماز طوافش را بخواند».



سید مهدی شجاعی

گفت‌وگو با سید مهدی شجاعی به مناسبت انتشار کتاب «از بوی گل آهسته‌تر»

نویسنده ربات نیست

«از بوی گل آهسته‌تر» عنوان چهارمین کتاب مجموعه «حماسه سجادیه»، نوشته سیدمهدی شجاعی است که توسط انتشارات نیستان منتشر شده است. این رمان به زندگی و زمانه امام سجاد(ع) مربوط است و روایت داستان مبتنی بر مستندات تاریخی نوشته شده است. درآمیختن روایت تاریخی و

✂ **اخبرا جلد چهارم «حماسه سجادیه» با عنوان «از بوی**

گل آهسته‌تر» منتشر شده است. اگر موافق باشید از همین نام‌گذاری مجلدات مختلف رمان شروع کنیم. اصولا این‌که هر جلد از یک رمان چندجلدی، اسم مستقل و متفاوتی داشته باشد، بدیع یا لااقل کم‌سابقه است. ضمن اینکه عناوین اغلب از اشعار سبک هندی هم انتخاب شده‌اند که نکته قابل توجهی است. لطفا در مورد انتخاب عناوین کتاب‌ها توضیح دهید.

بله. درست می‌فرمایید. این شکل از نام‌گذاری را خودم هم قبلا ندیده‌ام. ولی این ماجرا خیلی هم در اراده و اختیار من نیست. همچنان که محتوا قالب خودش را پیدا می‌کند یا می‌سازد، اسم هم از دل آن متولد می‌شود و اتفاقا اسم آخرین مولود این فرایند است. وقتی که این اثر با آثار دیگر خودم هم تفاوت اساسی دارد، تفاوت در وجوه فرعی و ظاهری چندان غریب نیست. شاید دلیل ظهور ابیات سبک هندی در اسامی کتاب هم، وجه مشترک پیچیدگی و چندلایگی باشد.

✂ **به پیچیدگی و چندلایگی اشاره کردید. فارغ از محتوای اثر چه مستقلا به آن می‌پردازیم، به نظر می‌رسد که شما در وجه تکنیک هم ترکیب تازه‌ای پدید آورده‌اید که با آثار قبلی خودتان در این عرصه، کاملا متفاوت است. به عبارتی از همه تکنیک‌های قبلی، اثر و ردپایی دارد ولی بر هیچ‌کدام انطباق کامل ندارد.**

فرمایش‌تان کاملا دقیق و درست است. در این رمان به‌لحاظ تکنیکی اتفاقات تازه‌ای افتاده که در عین تفاوت و تازگی، از یک هارمونی با آثار گذشته برخوردار است. یکی از آن اتفاقات تازه و متفاوت این است که بسیاری از فصول در عین پیوستگی با یکدیگر، مستقلا قابل عرضه‌اند و مختصات کامل یک داستان کوتاه را در خود دارند. این نکته را برخی از دوستان صاحب‌نظر دریافت و اظهار کرده‌اند.

ماشین رمان از آغاز حرکت تا نیل به مقصد با فراز و نشیب‌های مختلف و جاده‌های متفاوت و شرایط متنوع مواجه می‌شود. تلاش راننده در طول مسیر این بوده که دست فرمان خود را متناسب با شرایط مختلف و متنوع، تنظیم کند.

✂ **گفته شده که در آثار اخبرتان به‌خصوص در مجموعه «حماسه سجادیه»، اشارات و تعریض‌هایی به مسائل اجتماعی و سیاسی روز دارید. خودتان تا چه حد چنین قصد و نیتی داشته‌اید و این برداشت را چگونه تفسیر می‌کنید؟**

اولا باید عرض کنم که محقق و نویسنده، مثل ربات نیست که در فضای ایزوله و قرنطینه‌ماند نشیند و کار کند و بتواند نسبت به اتفاقات و حوادث اطراف خود بی‌تفاوت بماند. در دنیای امروز از هوش مصنوعی هم چنین توقعی نمی‌توان داشت. حتی فضای بسته و هوای آزاد را نویسنده و اثری که خلق می‌کند، تأثیر می‌گذارد.

ثانیا بسیاری از مسائل، چه آنها که در اطراف ما واقع می‌شود و چه آثاری که مبنای تحقیق و پژوهش دارد و در قالب‌های مختلف منتشر می‌شود، پیش و بیش از آن‌که جنبه اجتماعی و سیاسی داشته باشد، مبنای فلسفی، دینی و اعتقادی دارد. اختلاف‌نظر و تفاوت دیدگاه در مسائل اعتقادی همواره وجود داشته و هیچ‌گاه مذبوم نبوده است. ثالثا مضامین اعتقادی و دینی طبیعتا در بستر تاریخی معنا پیدا می‌کنند و مطرح می‌شوند. و این توصیه مؤکدی که همواره توسط بزرگان ما برای مطالعه و تعمق در تاریخ مطرح شده برای همین است که ما بفهمیم تاریخ دالما در حال تکرار است و از گذشته برای امروز درس بگیریم. لذا تحلیل و تبیین تاریخ می‌تواند دستاورد ارجمندی برای مخاطب محسوب شود. در این باب همچنان مطالب قابل عرض بسیار است. ولی نکته خلاف واقع و خلاف انصاف و اخلاق و عدالت این است که گفته شود بیان سیره معصومین وسیله‌ای شده باشد برای طرح مسائل اجتماعی و سیاسی و انتقادی یا ابزاری برای نقد وضع موجود. این حرف فارغ از این‌که ارزش و اصالت و ماندگاری آثار را مخدوش می‌کند، اساسا خلاف واقع است. اگر غرض، انتقاد از وضع موجود باشد، چه نیازی به سوءاستفاده از قدسین است؟! انتقادی که طرح آن مجاز باشد، در هر قالب دیگری قابل طرح است و اگر مجاز نباشد، در این قالب هم اجازه انتشار پیدا نمی‌کند. این هم با وجود تمیزی‌ای که از ترس از دست در رفتن غلط، بر روی درست‌ها هم احتیاطا خط

می‌کشد. اساسا کسی که دغدغه معرفی اسوه‌های الهی را دارد، چرا باید آنها را خرج مسائل روزمره سیاسی بکند؟! این جنس از سوءاستفاده را کسانی می‌کنند که دغدغه‌شان حفظ قدرت است.

✂ **گویا انتشار رمان «حماسه سجادیه» در مسیر مجوز و تمیزی، به موانع جدی برخورد کرده که بخشی از اخبار آن هم در فضای مجازی منتشر شد. یکی از خبرها، نامه عتاب‌آلودی بود که شما برای شورای نظارت بر کتاب نوشتید. اساسا مشکل تمیزی و ارشاد با این رمان از چه جنسی بوده و دلیل حساسیت بیش از حد روی این رمان چیست؟**

تمرکز سیستم تمیزی بر دو محور است. این رمان علی‌رغم رعایت اصول و قواعد داستانی، به‌شدت مقید به اسنادات تاریخی است. به نحوی که اگر احیانا جایی این دو اصل با هم تزامن پیدا کرده، اصول و قواعد رمان به احترام مستندات تاریخی کوتاه آمده و میدان را به آن سپرده. در تبیین شرایط زیستی و محیطی امام سجاد من ناگزیر بوده‌ام به تبیین اصول و مختصات حکومت اموی.

مشابهت‌های میان دوره‌های تاریخی را که تمیزی حساسیت نشان می‌دهد و دستور حذف می‌دهد، من هم زمان نوشتن رمان، احساس می‌کردم ولی حذف یا بی‌توجهی به آنها را صرفا به‌خاطر تشابه جایز نمی‌دیدم. محور دیگر و مهم‌تر تبیین تحریفاتی است که به مرور زمان در دین اسلام پدید آمده. نمی‌خود به سیره و سلوک

و سیاست و مدیریت امام سجاد پرداخت و این وجه از طرح و برنامه و عملکرد ایشان را نادیده گرفت. مبارزه با تحریفاتی که بعد از ارتحال پیامبر تا زمان امام سجاد در دین اسلام پدید آمده، یکی از مهم‌ترین رسالت‌های امام سجاد محسوب می‌شود و نقشی سرنوشت‌ساز در تاریخ دارد. به این دلیل که امروزه شی و روش زمامداری، عمدتا مبتنی بر حقایق تحریف‌شده است و با حقیقت اسلام و اسلام حقیقی فاصله نجومی دارد و بیان آن حقایق را –که امام سجاد هم بر آن تاکید داشته- جایز نمی‌دانند. اساسا نفس این توقع که نویسنده به دلیل مصالح حکومت، از بیان حقایق چشم ببوشد یا صرف‌نظر کند، توقع بیجایی است. وقتی حاکمیت همه ابزارهای تبلیغاتی و… را در اختیار و انحصار خود دارد چرا باید از انتشار یک نظر مخالف در تیراژ محدود یک کتاب بترسد؟

✂ **آیا تغییر دولت‌ها تأثیری در قبض و بسط فضای تمیزی داشته‌اند؟**

تمیزی به تعبیر خودشان یک امر حاکمیتی است و دولت‌ها نمی‌توانند نقش و سهم جدی در آن داشته باشند. به این نشان که یک رمان من- جلد دوم «کمی دیرتر»- علی‌رغم تغییر سه دولت همچنان در محاق توقیف به سر می‌برد و اجازه انتشار پیدا نمی‌کند. البته درک و فهم و حسن نیت مسئولان فرهنگی این دولت با دولت گذشته قابل مقایسه نیست، ولی تحرک با دست و پای بسته هم کار آسانی نیست.

✂ **گویا «حماسه سجادیه» پس از عبور از صافی‌های مجوز و تمیزی و چاپ و انتشار هم باز با مشکلاتی مواجه شده. آیا چنین چیزی صحت دارد؟**

بله. اصل خبر بی‌اساس نیست. گذشته از مسائلی که بعد از انتشار جلد دوم رمان -با عنوان «اگر غم لشگر انگیزد»- ایجاد کردند و تا دستور جمع‌آوری و خمیرکردن کتاب هم پیش رفتند؛ مکانیزم‌های دیگری هم پس از انتشار کتاب، همیشه وجود داشته است، با هدف تخریب اثر منتشرشده. یکی از این روش‌ها، انتشار نقدهای دستوری و تشکیلاتی و سازمانی است. مأموریت این تشکیلات و نقدپاشان، تخریب اثر منتشرشده است که عموما هم نتیجه معکوس می‌دهد و موجب استقبال بیشتر از اثر می‌شود. لشکر ساییری هم که بحمدالله در حد وسعشان تلاش می‌کنند.

✂ **به نقد کتاب اشاره کردید. بازتاب انتشار این اثر را از سوی اصحاب فرهنگ، چگونه دیده‌اید؟**

از زمان انتشار هرکدام از مجلدات تا به امروز از سوی اندیشمندان و پژوهشگران و صاحب‌نظران و اهالی قلم، آرا و نظرات ارجمندی به من رسیده که در شناخت نقاط ضعف و قوت اثر، برابم بسیار مفید و راهگشا بوده و من همواره مدیون و مرهون این سرورانم که رهنمودهای مشفقانه‌شان، در گمال و ارتقای آثار آتی هم نقش مؤثر دارد. ولی متاسفانه در فضای مطبوعاتی و رسانه‌ای ما،

عطف

اولین روایت سیال ذهن

شرق: در میان آثار داستایفسکی، داستان «نازنین» اگر چه اغلب جزء شاهکارهای او دسته‌بندی نشده، اما اثری قابل توجه است که از چند حیث همواره مورد توجه منتقدان و خوانندگان بوده است. این اثر مربوط به دوره‌ای از نویسندگی داستایفسکی است که او دیگر سبک خود را در نویسندگی پیدا کرده بود و نویسنده‌ای مشهور به شمار می‌رفت. داستایفسکی «نازنین» را در ۴۵سالگی نوشت؛ یعنی زمانی که دیگر نویسنده‌ای حرفه‌ای به شمار می‌رفت. پیش از انتشار نازنین، داستایفسکی چند اثر مشهورش نظیر «جنایت و مکافات»، «بله»، «قمارباز»، «شیاطین» و «تحقیرشدگان» را نوشته بود.

ما در این اثر با روایتی از سرگذشت دختری روبه‌رو هستیم که علی‌رغم ظاهر شاد و پرنشاط خود، بنا بر دلایل نامعلومی دست به خودکشی زده و اکنون، پس از مرگش، همسر او به بازخوانی و بازگویی رخدادهای زندگی وی می‌پردازد. رمان «نازنین» داستایفسکی از یک خبر واقعی الهام گرفته است. نویسنده خبر خودکشی زن جوان خیاطی را در روزنامه می‌خواند و این اتفاق حرفه‌ای می‌شود برای خلق داستانی با تمرکز بر عذاب وجدان، اضطراب و کشمکش روانی. در این رمان کوچک‌ترین جزئیات، بار روانی عمیقی دارند و خواننده را در فضایی تراژیک فرومی‌برند. داستایفسکی در مقدمه ابتدای کتاب توضیح می‌دهد: «عنوان یک داستان خیالی به آن داده‌ام، اما خودم فکر می‌کنم کاملا واقعی است. از طرفی تخیل هم جدا در داستانم وجود دارد».

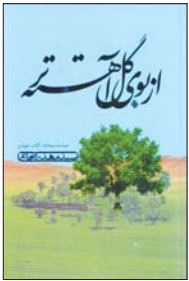
یکی از ویژگی‌های مهم داستان «نازنین»، شیوه روایت این اثر است. داستایفسکی ده‌ها پیش از آنکه مارسل پروست و جیمز جویس و دیگر نویسندگان مدرن شیوه‌های بدیع روایت را به کار گیرند، در رمان «نازنین» قواعد منطقی نوشتار ادبی را شکسته و سعی کرده سیل افکار و تصاویر را به صورت تداعی مستقیم در متن جاری کند. ازاین‌رو، «نازنین» را می‌توان اولین روایت سیال ذهن به شمار آورد.

از دیگر ویژگی‌های قابل توجه که کتاب «نازنین» را بدل به اثری متمایز می‌کند، این است که دو قهرمان اصلی این داستان نامی ندارند و حتی عنوان داستان نیز صفتی است که قهرمان مرد به قهرمان زن داده است: «نازنین». مترجم فارسی کتاب نازنین با اشاره به این ویژگی اثر نوشته که به نظر می‌رسد داستایفسکی با نام ندادن به قهرمانانش می‌خواهد بگوید این یک داستان ویژه نیست که برای افرادی با هویت و اسامی مشخص رخ داده باشد، بلکه ماجرای است که نظیر و همتایش بسیار است. علت دیگر بی‌نام‌گذاری شخصیت‌ها می‌تواند این باشد که توجه خواننده را به ویژگی سمبولیک و گویایی نام‌های اشخاص فرعی داستان جلب کند.

در بخشی از این داستان می‌خوانیم: «اقایان، من به‌هیچ‌وجه نویسنده نیستم و خودتان هم می‌دانید، پس بگذارید ماجرا را همان‌طوری تعریف کنم که خودم درک کرده‌ام. البته تمام ترس و وحشت هم دقیقا از همین است؛ اینکه همه چیز را می‌فهم! اگر می‌خواهید بدانید، یعنی اگر بخواهم از اول اولش بگویم، او یک روز آمد پیش من که چیزی گرو بگذارد تا بتواند پول یک آگهی در روزنامه صدا را بدهد. یک آگهی دراین‌باره که مثلا او به‌عنوان معلم سرخانه آماده به کار است، هم می‌تواند در سفر همراه باشد و هم در خانه درس بدهد و غیره و غیره».



نازنین
فیودور داستایفسکی
ترجمه بلدا بیدختی‌نژاد
نشر چشمه



از بوی گل آهسته‌تر
سید مهدی شجاعی
نشر نیستان هنر